

عنوان مقاله:

مقایسه دشواری در نظم بخشی هیجانی و صفات شخصیت مرزی در معتادان تحت درمان با متادون، معتادان خودمعرف (بدون درمان) و افراد بهنجار

محل انتشار:

فصلنامه تحقیقات نظام سلامت، دوره 12، شماره 2 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

نویسندگان:

منصور بیرامی - *Professor, Department of Psychology, School of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran*

رضا محمدزاده گان - *PhD Candidate, Department of Psychology, School of Education and Psychology, Azarbaijan - Shahid Madani University, Tabriz, Iran*
Corresponding Author: Reza Mohammadzadegan, Email: reza.moh1@gmail.com

یزدان موحدی - *PhD Candidate, Department of Psychology, School of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran*

یونس قاسم بکلو - *Department of Psychology, School of Psychology and Educational Sciences, Payame Noor University of Khoy, Khoy, Iran*

عین اله شعبانی - *PhD Candidate, Department of Psychology, School of Education and Psychology, Azarbaijan Shahid - Madani University, Tabriz, Iran*

خلاصه مقاله:

مقدمه: هدف از انجام پژوهش حاضر، مقایسه دشواری در نظم بخشی هیجانی و صفات شخصیت مرزی در معتادان تحت درمان با متادون، معتادان در حال مصرف مواد (خودمعرف) و افراد بهنجار بود. روش ها: این پژوهش از نوع مطالعات علی مقایسه ای و جامعه آماری آن شامل کلیه مردان سوء مصرف کننده مواد مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهرستان خوی در سال ۱۳۹۲ بود. نمونه آماری پژوهش از ۴۰ نفر معتاد تحت درمان با متادون، ۴۰ نفر معتاد در حال مصرف مواد (خودمعرف) و ۴۰ نفر افراد غیر معتاد تشکیل شد که به صورت در دسترس انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها، مقیاس های دشواری در نظم بخشی هیجانی (Difficulties in Emotion Regulation Scale یا DERS) و صفات شخصیت مرزی (Schizotypal Trait questionnaire-B form یا STB) توسط شرکت کنندگان تکمیل گردید. داده ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) و آزمون تعقیبی Tukey در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها: یافته ها نشان داد که افراد خودمعرف (بدون درمان)، نمرات بالاتری در متغیر صفات شخصیت مرزی ($F = 5/15, P = 0/01$) و دشواری در نظم بخشی هیجانی ($F = 47/33, P = 0/01$) نسبت به افراد تحت درمان با متادون و افراد بهنجار کسب کردند، اما نتایج آزمون تعقیبی Tukey نشان داد که تفاوت معنی داری بین افراد تحت درمان با متادون و افراد بهنجار در این مولفه ها وجود نداشت. نتیجه گیری: با توجه به نقش دشواری در نظم بخشی هیجانی و صفات شخصیت مرزی در اختلالات سوء مصرف مواد، لازم است که پژوهشگران در مطالعات آینده بیشتر بر نقش این متغیرها در شروع و تداوم سوء مصرف مواد توجه داشته باشند. در این راستا، برگزاری کارگاه های مربوط به تنظیم هیجانی و مهارت های کنترل تکانه برای بیماران سوء مصرف کننده ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی:

